

جوانان بیکار و شغلی که نیست

*سر آغاز - نسرين داودی

یکی از اصلی ترین دغدغه های مردم استان خوزستان با آن همه ظرفیت در حوزه های مختلف و خلق ثروت برای کشور بحث اشتغال است؛ موضوعی که در طول سالیان متمادی جز مطالبات اصلی مردم از دولت ها و مسئولانی بوده که همیشه با وعده ایجاد اشتغال و حل مشکل بیکاری بر سر کار آمده اند. اینکه استانی مثل خوزستان تولید و تامین کننده بخش عظیمی از نفت و گاز کشور است و همچنین بخش عمده از تولید محصولات استراتژیک کشاورزی و صنعتی کشور را بر عهده داشته باشد اما جوانان آن از بیکاری و مشکلات اجتماعی و اقتصادی ناشی از آن رنج ببرند، گویای آن است که هیچ توازن،

تناسب و برنامه ریزی مناسبی در دستور کار نبوده تا مردم این استان متناسب با ظرفیت هایی که دارند در حوزه های مختلف مشغول به کار

شوند. این روزها به سراغ هر خانواده ای در خوزستان بروی قطعا یکی دو جوان بیکار و جویای کار دارد؛ مساله ای که شاید در

بسیاری از نقاط دیگر کشور نیز به چشم بخورد اما بیکاری جوانان خوزستانی با توجه نقش و جایگاه استان در اقتصاد کشور پررنگ تر از دیگر استان

ها است و مسئولان متولی ایجاد اشتغال در خوزستان و کشور باید هر چه سریعتر راهکاری را برای این موضوع پیدا کنند. براساس آنچه به عنوان



آمار فصلی بیکاری ارائه می شود، آمار رسمی بیکاری در خوزستان در فصل گذشته ۱۱.۶ درصد بوده که حدود ۲ درصد از میانگین کشوری بالاتر است.

البته این موضوع در حالی است که اصغر رشنودی مدیرکل تعاون، کار و رفاه اجتماعی خوزستان در خصوص موضوع اشتغال و نرخ بیکاری استان می گوید: آمار افراد بیکار واقعی در خوزستان در صورت ساماندهی افرادی که با وجود دریافت حقوق و بیمه خود را بیکار معرفی می کنند، ۲۰۰ تا ۲۱۰ هزار نفر است. اگر آمار افراد بیکار غیرواقعی را به آمار افراد بیکار واقعی در خوزستان اضافه کنیم نرخ بیکاری در خوزستان ۱۵ درصد می شود.

البته این آمارها درحالی از سوی رشنودی ارائه شده است که بنا به گفته علی اکبر حسینی محراب استاندار خوزستان استاندار خوزستان آمار درستی از نرخ بیکاری در برخی شهرستانها وجود ندارد.

سلامت

برای همه گیری بعدی آماده شوید

«تدروس آدهانوم قبریسیوس»، دبیر کل سازمان جهانی بهداشت (WHO) روز گذشته (دوشنبه) از کشورها خواست تا اصلاحات لازم برای آماده شدن در برابر همه گیری بعدی را انجام دهند. قبریسیوس هفته ها پس از اعلام پایان وضعیت اضطراری جهانی برای همه گیری کووید ۱۹ اظهار داشت: اکنون زمان پیشبرد مذاکرات برای پیشگیری از همه گیری بعدی فرا رسیده است. دبیرکل سازمان جهانی بهداشت در یک سخنرانی بزرگ خطاب به کشورهای عضو سازمان ملل گفت: ما نمی توانیم این موضوع را کنار بگذاریم، وی همچنین افزود: اگر تغییراتی را که باید ایجاد شود، انجام ندهیم، پس چه کسی این کار را خواهد کرد؟ و اگر اکنون آنها را انجام ندهیم، پس چه زمانی مناسب است؟ مجمع سالانه و ۱۰ روزه جهانی بهداشت در ژنو که مصادف با هفتاد و ششمین سالگرد تاسیس سازمان جهانی بهداشت است، قرار است به چالش های جهانی بهداشت از جمله همه گیری های آینده، ریشه کن کردن فلج اطفال و ... بپردازد. ۱۹۴ کشور عضو سازمان جهانی بهداشت اکنون در حال تهیه پیش نویس یک معاهده مرتبط با همه گیری هستند که برای تصویب در مجمع آتی آماده است. تدروس در این باره اظهار کرد: تعهد این نسل (به یک توافق درباره همه گیری) مهم است، زیرا این نسل تجربه کرده است که یک ویروس کوچک چقدر می تواند وحشتناک باشد. سازمان جهانی بهداشت در تاریخ جمعه ۵ مه ۲۰۲۳ به طور رسمی پایان وضعیت اضطراری کووید ۱۹ در جهان را اعلام کرد. این سازمان در ژانویه ۲۰۲۰، شیوع ویروس کرونا را یک وضعیت اضطراری بهداشت عمومی و نگرانی بین المللی اعلام کرده بود.

به مناسبت سالگرد قربانیان حادثه متروپل ؛

غم بزرگ متروپل؛ کار بزرگ ایمنی ساخت و ساز را به سرانجام می رساند؟



مادرائی که مرگ فرزندان شان را باور نکردند

آبادان باز هم سر تیتیر خبرها شد، خبرهای عجیب و تلخ؛ روزها کار آواربرداری ادامه داشت و دیگر امیدی به زنده خارج کردن کسی از زیر آوار نبود اما بودند خانواده هایی که پس از یکی دو هفته هم هنوز امید داشتند فرزندان شان زنده از زیر خاک بیرون بیایند؛ مثل مادری که می گفت پسرش ورزشکار و جوان است و حتما زنده مانده است.

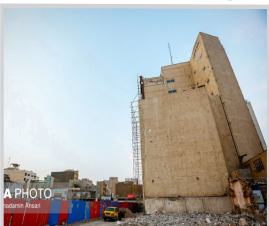
آبادان در غم نشست؛ مرثیه خوانی شروع شد؛ زنان به شیوه زنان عرب خوزستانی، هر روز عزاداری کردند و بر سر و سینه خود زدند. صدای سنج و دمام در سراسر شهر پیچید. خانواده ها در اطراف متروپل و بعضی در چادرهای هلال احمر در گرمای بالای ۴۰ درجه خوزستان نشستند؛ خانواده هایی که هفته ها در انتظار قسمتی از پیکر عزیزشان ماندند مثل پدر عبدالرحمن و عبدالامیر بهبهانی، دو مربی رزمی کار شهر آبادان که از قضا کارگران برج متروپل بودند.

مردم آبادان در آن روزهای عزاداری هم در محل آواربرداری متروپل کم نگذاشتند. همسایه ها آب خنک، غذا و هندوانه بین نیروهای امدادی، خبرنگاران و کارگران توزیع می کردند؛ هر جور بود می خواستند کمکی کنند. روز پیکر عزیزی را بیرون می آوردند و با بیرون آوردن هر پیکر از زیر خاک، قلب پدر، مادر یا خواهر و برادری که در انتظار بودند می ایستاد؛ و این بار هم آبادانی ها دلشان خون شد. متروپل، ۴۳ قربانی گرفت و ۳۷ مجروح را نیز راهی بیمارستان ها کرد؛

گشت و گذار مردم و خوش گذرائی آبادانی ها باشد که هنوز زخم های جنگ را بر تن دارند، قتلگاه یک سری آدم بی گناه شد؛ برج «حسین عبدالباقی» که با پارتی بازی، زد و بند و بی ضابطه قد کشید، در یک لحظه فرو ریخت.

شاید تا قبل از آن حادثه، برای خیلی ها کوچه متروپل با مز و صندلی هایی که می چیدند، قشنگ و دلگشا بود اما حالا شده کوچه دلتنگی و حسرت... متروپل ریخت و پادمان داد که آدم به لحظه ای بند است و نمی داند شاید همین الان، ساختمانی بر سرش فرو بریزد و این وحشت را در دل مردم، مخصوصا آبادانی ها گذاشت که نکند باز هم ساختمان ها روی سرشان آوار شوند. خبر ریختن متروپل، مثل بمب منفجر شد؛ همه جای خیابان امیری پر از تکه آجرها و آهن پاره های ریزش این ساختمان بود و خیابان ها شلوغ. مردم زیادی زیر آوار بی مسئولیتی، گرفتار شدند و خانواده ها داغدار و در انتظار....

مردم از گوشه و کنار آبادان و شهرهای دیگر آمدند تا عمق فاجعه با بیل و کلنگ و دست خالی آوارها را برمی داشتند و هر چه در توان داشتند آوردند. نیروهای امدادی و آتش نشان ها هم آمدند، مصدومان را در همان ساعات اولیه از زیر آوار خارج کردند اما هر چه می گذشت، دیگر کسی زنده بیرون نمی آمد و جانباختگان یکی پس از دیگری بیرون کشیده شدند.



کوچه دلتنگی و حسرت آبادانی ها... برجی که قرار بود مکانی برای

قربانی هایی که از کودک و جوان تا پدر و مادر بینشان بود. جوانانسی که قربانی متخلفان متروپل شدند

مریم قربانی و رامین معصومی تازه عروس و دامادی که با هزار آرزو کافه «مری» را در متروپل افتتاح کردند، از قربانیان این فاجعه بودند، کافه ای با پایانی تلخ. شیرین معصومی، خواهر رامین هم زیر آوار متروپل جان داد، دختری که یکس دو هفته مانده بود به عروسی اش. ملیکا و میترا صالحیان هم دو خواهر نوجوانی بودند که همراه زن عمومی شان مقابل یک بستنی فروشی جنب ساختمان متروپل آبادان ایستاده بودند که ناگهان ساختمان فرو ریخت؛ هر سه زیر خاک دفن شدند. آراین و علی (عرفان) ۱۴ و ۲۰ ساله، پدرشان فوزی جلیلیان ۵۲ ساله و پسرعموی شان حمیدرضا ۱۶ ساله هم از قربانیان این حادثه بودند؛ خانواده ای که در یک چشم بر هم زدن از دست رفت و یک شهر را عذاب کرد. این نوجوانان و جوانان تنها تعدادی از قربانیان متخلفان متروپل هستند.

ادامه فاجعه با قتل برادر مالک ساختمان متروپل

با افزایش تعداد جانباختگان متروپل، دل مردم بیشتر می سوخت و کم کم عزاداری ها با اعتراض همراه شد. هر چند نام «حسین عبدالباقی» مالک متروپل و صاحب هولدینگ عبدالباقی میان قربانیان حادثه بود اما گویا مردم آبادان این حرف ها را باور نداشتند. آجیل فروشی عبدالباقی در همان روزهای اول به آتش کشیده شد. بعد هم چند نفر مسلحانه به مجید عبدالباقی برادر مالک ساختمان متروپل آبادان، حمله کردند و او را مقابل منزلش در آبادان کشتند.

آواربرداری متروپل هم قربانی گرفت

بعد از بیرون آوردن اجساد از زیر آوار متروپل، کار آواربرداری این ساختمان آغاز شد؛ هر چند در طول این مدت مغازه ها و خیابان های اطراف بسته بود اما باز هم حین آواربرداری، متروپل ریزش کرد و یک نفر کشته و دو نفر مصدوم شدند.

خیابان امیری، یک سال بعد از فرو ریختن متروپل

در نهایت، ۷ دی ماه پارسال، باقیمانده ساختمان متروپل به صورت کامل تخریب شد اما همچنان اطراف آن حصار بسته اند. لودرها در حال کارند و دارند آهن های کار شده در زیرزمین و پارکینگ را خارج می کنند. آثار فرو ریختن متروپل هنوز روی یکی دو ساختمان اطراف هم توی چشم می زند. حالا یک سال از این فاجعه می گذرد؛ هنوز مردم آبادان و خیابان امیری در بهت هستند. بازار خلوت است. همچنان هلدینگ عبدالباقی در حال ساخت ساختمان در آبادان است و ساختمان های دیگری از عبدالباقی هم در حال استفاده اند. شیشه های قل دیگر متروپل ترک برداشته و ساختمان کاملا تعطیل است؛ تنها آتش فروشی، «مقدم» باز است. بتر عکس جانباختگان متروپل روی حصار آبی رنگ محل حادثه به چشم می خورد؛ یکی از عکس ها را کنده اند، انگار کسی نخواسته است که عزیزش را بین کشته ها ببیند. خیابان امیری مثل قبل نیست. ماشین ها در نزدیکی متروپل پارک نمی کنند، حتی بعضی می ترسند از کنار آن رد شوند؛ انگار هنوز وحشت دارند. بیشتر کسبه اطراف محل حادثه سر کارشان برگشته اند اما هر لحظه که چشم شان به این ساختمان می افتد یاد آن لحظه شوم می افتند، انگار همین دیروز بود.

مردم می گویند در نوروز امسال مسافرائی که از نقاط مختلف کشور به آبادان می آمدند، به محل حادثه هم می آمدند تا متروپل را ببینند. چند لحظه می ایستادند و فاتحه ای می خواندند و می رفتند.

کسبه بازار از روزهای امیری می گویند

اسماعیل یکی از کارکنان آتش فروشی مقدم، تنها مغازه ای در قل باقیمانده متروپل باز است، می گوید: هیچ کس فکر نمی کرد این اتفاق تلخ بیفتد. ان حادثه در روز اتفاق افتاد، شب ها خیابان امیری بسیار شلوغ تر است و اگر شب این اتفاق رخ می داد، فاجعه بزرگتری می شد.

او ادامه می دهد: تا قبل از حادثه، مجتمع پزشکی متروپل بسیار شلوغ بود. کوچه متروپل هم جای خوبی برای تفریح بود. شهر داشت جان تازه ای می گرفت که با این حادثه همه چیز تلخ شد.

چهره های آشنا روی بنر جانباختگان متروپل

اسماعیل می گوید: قبل بازار امیری همیشه شلوغ بود اما بعد از این حادثه این خیابان سوت و کور شده است و این خاطره تلخ در ذهن تک تک آبادانی ها مانده است و برخی حاضر نیستند پایشان را در خیابان امیری بگذارند. او ادامه می دهد: مغازه ما چند ماه تعطیل بود. مجبور بودیم برگردیم اما کار برایمان بسیار سخت است. در تعطیلات عید نوروز بتر عکس های کشته شدگان متروپل را روی حصار متروپل زدند. تنها یک بار به این عکس های روی بتر نگاه کردم. همه آن هایی را که در عکس ها می بینیم، یادآور لحظات زیادی هستند و بیشتر آن ها را می شناختم و با آن ها در ارتباط بودم. هر روز می آمدند آش می خریدند و با هم حرف می زدیم. این کاسب بازار امیری می گوید: بعضی از مشتری ها می ترسند به این سمت خیابان بیایند. دیگر بازاری امیری به شرایط قبل برنگشت و هنوز ترس و غم در دل آبادانی ها مانده است.

شرایط خطرناک قل دوم متروپل یکی دیگر از شهروندان آبادانی در مورد وضعیت بازار امیری بعد از حادثه متروپل می گوید: بعد از فرو ریختن متروپل ترسی در جان مردم افتاد. گفته می شود قبل از حادثه، ساختمان لرزش داشت پس مردم باید احتیاط می کردند اما متأسفانه این اتفاق تلخ رقم خورد و عده ای بیگانه کشته شدند. او ادامه می دهد: با ریزش این ساختمان، آبادان بیشتر معروف شد و همه درمورد این حادثه حرف می زدند. در این حادثه یکی از بهترین دوستانمان را از دست دادیم. دوستان در این ساختمان کار نمی کرد؛ از بد حادثه آن روز به متروپل رفت و ساختمان خراب شد. خانواده اش داغان شده اند.